

A Critical Evaluation of Qur'an Translators' Deal with Idiomatic Literary Style of "Mā Adrāka Mā..."

Zohreh Akhavan-Moghadam^{*}, Zahra Besharati^{}**

Zahra Ghotbi^{*}**

Abstract

One of the challenges in translating the Qur'anic eloquent phrases into other languages is the literal format. Sometimes this genre of translation in eloquent expressions leads to getting away from the Divine purpose. The style of "Mā Adrāka Mā..." is one of the rhetorical styles that translators have faced challenges in conveying its Divine meaning to other languages. This semi-frozen phrase has a special meaning that mere paying attention to its literal meaning causes other aspects of this type of dialect to be neglected. This research analyzes 45 Qur'an translations of the third century to the contemporary era, using an analytical-descriptive method. It aims to find out the most faithful version of the Divine meaning in the translation of the phrase "Mā Adrāka Mā..." The results show that the most expressive translation is "What made you aware that... what is it?" which can be considered as a communicative translation of the Qur'an. Although some translators have kept the faithful translation to the Divine purpose, most of them have made mistakes in terms of grammar (morphology and

^{*} Associate Professor, University of Sciences and Teachings of the Holy Qur'an, Tehran, Iran
(Corresponding Author), akhavan.mo@quran.ac.ir

^{**} Scientific Member of Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran,
mrs.besharati@yahoo.com

^{***} PhD Candidate of Qur'an and Hadith Sciences, Arak University, Iran, ghotbizahra@gmail.com

Date received: 2022/06/08, Date of acceptance: 2022/10/16



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

syntax), attention to the unity of this eloquent style, etc., causing the failure of the effect of Divine message on the audience through the translation of this style.

Keywords: Translation of Qur'an, Mā Adrāka Mā, Literary Style, Science, Audience

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن کریم با اسلوب ادبی اصطلاحی «ما أدراک ما...»

زهرا اخوان مقدم*

زهرا بشارتی**، زهرا قطبی***

چکیده

از جمله چالش‌ها در ترجمه‌ی عبارات بلیغ قرآن به سایر زبان‌ها، قالب تحت‌اللفظی است. گاه عنایت به این سبک از ترجمه در عبارات بلیغ سبب دور شدن از مراد الهی می‌گردد. اسلوب «ما أدراک ما...» یکی از اسالیب بلیغی است که مترجمان در رسایی مراد الهی آن به سایر زبان‌ها دچار چالش شده‌اند. این عبارت نیمه‌انجماد شده، دارای بار معنایی خاصی است که توجه صرف به معنای تحت‌اللفظی آن سبب مغفول ماندن سایر ابعاد این نوع گویش می‌گردد. پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی ۴۵ ترجمه قرآن از قرن سه تا عصر معاصر پرداخته، و بر آن است که به برگزیده‌ترین حالت وفادار مراد الهی در ترجمه عبارت «ما أدراک ما» دست‌یابد. نتایج نشان می‌دهد گویاترین ترجمه «چه چیز تو را آگاه کرد که چیست» است که می‌توان آن را ترجمه ارتباطی قرآن دانست. برخی مترجمان ترجمه وفادار به مراد الهی را حفظ نمودند اما بیشتر ایشان از حیث صرفی، نحوی، و توجه به یکپارچه بودن این اسلوب بلیغ به خطا رفته‌اند و سبب نارسایی پیام الهی در ترجمه‌ی این اسلوب برای مخاطبان شده‌اند.

* دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)، akhavan.mo@quran.ac.ir

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، mrs.besharati@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، ghotbizahra@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴



کلیدواژه‌ها: ترجمه قرآن، «ما أدراک ما»، اسلوب ادبی، علم پیامبر، مخاطب شناسی

۱. مقدمه و بیان مسأله

اصطلاحات و تعبیر گوناگونی در قرآن استعمال شده که از سوی مترجمان به گونه‌های معنایی متفاوتی ترجمه شده‌اند. با توجه به این که لازمه فهم قرآن، کشف و شناخت معانی تک تک کلمات و اصطلاحات به کار رفته در آن است، تأمل در معانی مختلف ارایه شده ذیل آن و سپس ترجیح معنای دقیق‌تر، ضروری می‌نماید. از جمله تعبیری که به معانی متنوعی ترجمه شده و چالش برانگیز است، اسلوب «مادراک ما...» است که سیزده بار در قرآن به کار رفته است. مترجمان، اسلوب مذکور را به معانی گوناگون ترجمه نموده‌اند. با بررسی بیشتر، باید گفت این اختلاف معانی در ترجمه هر یک از سیزده کاربرد قرآنی «مادراک ما...» نیز مد نظر مترجمان قرآن قرار گرفته است. تنوع و گونه‌های معنایی متفاوت ترجمه‌ها، مخاطبان را جهت فهم معنای اسلوب فوق‌الذکر با چالش جدی مواجه می‌کند. لذا تحلیل ترجمه‌های ذکر شده در کاربردهای قرآنی و ترجیح معنای دقیق‌تر جهت حل چالش مخاطبان و ارایه ترجمه مناسب، راهگشا خواهد بود. افزون بر ترجمه تحت الفظی، نوع دیگری از ترجمه با نام ارتباطی تعریف شده که در آن مترجم بر اساس معنای اولیه کلمات معادل‌یابی نمی‌کند بلکه می‌کوشد بر پایه معنای کلمه در بافت متن معادل‌یابی نماید (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۳۲). لذا می‌توان ترجمه اصطلاح «مادراک ما...» را از حیث نوع (معنایی و ارتباطی) نیز مد نظر قرار داد. بر این اساس، در پژوهش حاضر ۴۵ ترجمه قرآن ذیل تمامی موارد کاربرد و نیز کلمات استعمال شده در اسلوب «مادراک ما...» مورد بررسی قرار گرفته و جهت پرهیز از کثرت اسامی و اطلاعات درون متن، جداولی تدوین شده است. درون هر جدول، تک تک آیات و نام مترجمانی که ترجمه مورد نظر را برگزیدند، ذکر شده است. در مواردی که تعداد مترجمان بسیار اندک بوده، از جدول استفاده نشده است. در مرحله بعد، پس از آوردن تمامی ترجمه‌ها، به تحلیل داده‌ها پرداخته و در نهایت، ترجمه برگزیده اسلوب مذکور ارایه شده است. لذا روشی که مورد استفاده قرار گرفته، توصیفی-تحلیلی است. باید در نظر داشت تاکنون هیچ پژوهش جامعی ذیل «مادراک ما...» در آرای مترجمان قرآن صورت نگرفته است و پیشینه‌ای برای آن در پژوهش‌های ترجمه یافت نشد. رهیافت فوق کوششی است در پاسخگویی به این سوال اصلی که: «ترجمه برگزیده اسلوب «مادراک ما...» در قرآن چیست؟»

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۵

۲. گونه شناسی «ما» در ابتدای اسلوب «مأذراک ما...»

با بررسی نظر مترجمان، «ما» در ابتدای این ترکیب قرآنی به دو دسته‌ی موصول عام و استفهام کنایی تقسیم‌بندی می‌شود.

۱.۲ موصول عام

از موارد نادر در ترجمه‌ی «ما»، در ابتدای اسلوب مورد نظر، موصول در نظر گرفتن آن است. تنها در ترجمه‌ی کتاب حجت‌التفاسیر، «ما» در تمامی آیات سبزه گانه اسلوب «مأذراک ما...»، «موصول» فرض شده‌است.

۲.۲ استفهام غیر حقیقی

غالب مترجمان «ما» را در ابتدای اسلوب «مأذراک ما...» با لفظ یا مفهوم کنایی ترجمه نموده‌اند لکن از نظر دقت در مرتبه یکسانی قرار ندارند که در ادامه بدان اشاره می‌شود.

۱.۲.۲ معنای «چه چیز»

از دیدگاه برخی مترجمان، اسلوب «مأذراک ما...» استفهام از شیء است.

جدول ۱- «ما»: استفهام غیر حقیقی در معنای «چه چیز»

کاربرد	ترجمه	آیات	نام مترجمان
استفهام غیر حقیقی	چه چیز	حاقه/۳	حلبی؛ خواجوی؛ رهنما؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ فیض الاسلام؛ میبیدی؛ یاسری
		مدثر/۲۷	آیتی، انصاری، رضایی اصفهانی؛ سراج، فیض الاسلام
		مرسلات/۱۴	رضایی اصفهانی؛ سراج؛ فیض الاسلام؛ میبیدی
		انفطار/۱۷، ۱۸	رضایی اصفهانی؛ سراج؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی
		مطففین/ ۸، ۱۹	بهرام‌پور (آیه ۸)؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی؛ نویری
		طارق/۲	رضایی اصفهانی؛ سراج؛ فیض الاسلام؛ مصطفوی؛ نجفی خمینی
		بلد/۱۲	رضایی اصفهانی؛ سراج؛ فیض الاسلام؛ نجفی خمینی
		قدر/۲	بروجردی؛ بانو امین؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ فیض الاسلام؛ مشکینی؛

نجفی خمینی؛ یاسری		
رضایی اصفهانی؛ سراج؛ خسروی؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ مشکینی؛ نجفی خمینی	قارعه/۳، ۱۰	
رضایی اصفهانی؛ سراج؛ فیض الاسلام؛ مشکینی؛ نجفی خمینی	همزه/۵	

۳.۲ معنای «چه»

گروهی از مترجمان «ما» در اسلوب فوق‌الذکر را به مفهوم استفهامی دانسته‌اند که به همراه نفسی آگاهی از مخاطبان باشد.

جدول ۲- «ما»: استفهام غیر حقیقی در معنای «چه»

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
آیتی؛ ابوالفتح رازی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ بهرام‌پور؛ بروجردی؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ رهنما؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ گرمارودی؛ مجتبی؛ مکارم‌شیرازی؛ مشکینی؛ مصطفوی؛ مستفید	حاقه/۳		استفهام غیر حقیقی چه
اشرفی تبریزی؛ ابوالفتح رازی؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ خواجوی؛ رهنما؛ ریاضی؛ شعرانی طبری؛ طباطبایی؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مجتبی؛ مشکینی؛ مستفید؛ یاسری	مدثر/۲۷		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ ابوالفتح رازی؛ ارفع؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ خواجوی؛ خسروی؛ رهنما؛ ریاضی؛ سراج؛ صفارزاده؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبی؛ مشکینی؛ مصطفوی؛ مستفید؛ یاسری	مرسلات/۱۴		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ ارفع؛ بانو امین؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی (فقط آیه ۱۷)؛ حلبی؛ رهنما؛ ریاضی؛ طالقانی؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مجتبی؛ مکارم‌شیرازی؛ مشکینی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مستفید؛ یاسری	انفطار/۱۷، ۱۸		
اشرفی تبریزی؛ آیتی؛ بهرام‌پور (آیه ۱۹)؛ پاینده؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ خواجوی؛ خسروی؛ رهنما؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طالقانی؛ طباطبایی؛ طبری؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مجتبی؛ مشکینی؛ مستفید؛ یاسری	مطففین/۸، ۱۹		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ ابوالفتح رازی؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رهنما؛ ریاضی؛ طالقانی؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛	طارق/۲		

۷ سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران)

گرمارودی؛ مجتبیوی؛ مشکینی؛ معزی؛ مستفید؛ نوبری؛ یاسری			
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ رهنما؛ ریاضی؛ خواجوی؛ صفارزاده؛ طبری؛ طالقانی؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فولادوند؛ فارسی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مجتبیوی؛ مشکینی؛ معزی؛ مستفید؛ نوبری	۱۲/ بلد		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ ابوالفتح رازی؛ الهی قمشه‌ای؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ رهنما؛ ریاضی؛ حلبی؛ حجتی؛ خسروی؛ طالقانی؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مجتبیوی؛ مکارم‌شیرازی؛ معزی؛ مستفید؛ نوبری	۲/ قدر		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ ابوالفتح رازی؛ ارفع؛ بانو امین؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ رهنما؛ ریاضی؛ حلبی؛ حجتی؛ طالقانی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی (فقط آیه ۱۰)؛ گرمارودی؛ کاویان‌پور؛ مجتبیوی؛ مکارم‌شیرازی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مستفید؛ یاسری؛	قارعه/ ۳، ۱۰		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ رهنما؛ ریاضی؛ حجتی؛ حلبی؛ صفارزاده؛ طالقانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مجتبیوی؛ مصطفوی؛ مستفید؛ عاملی؛ یاسری	همزه/ ۵		

۴.۲ معنای «چگونه، چگونگی یا چطور»

یکی دیگر از صورت‌های استفهامی به کار رفته در ترجمه‌ی اولین «ما» معنای «چگونه، چگونگی یا چطور» است. این ترجمه‌ها نیز تعبیر کنایی نفی آگاهی از مخاطب را در معنای خود دارند.

جدول ۳- «ما»: استفهام غیرحقیقی در معنای «چگونگی یا چطور»

کاربرد	ترجمه	آیات	نام مترجمان
استفهام غیر حقیقی	چگونه و چطور	حاقه/ ۳	الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ کاویان‌پور
		مدر/ ۲۷	الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ عاملی؛ نوبری
		مرسلات/ ۱۴	الهی قمشه‌ای؛ بروجردی؛ طاهری؛ طباطبائی؛ نوبری
		انفطار/ ۱۷، ۱۸	الهی قمشه‌ای؛ بروجردی؛ بانوامین؛ حجتی؛ طاهری؛ کاویان‌پور؛ نوبری
		مطففین/ ۸، ۱۹	الهی قمشه‌ای؛ طاهری
		طارق/ ۲	الهی قمشه‌ای؛ بانوامین؛ طاهری

بانوامین	بلد/۱۲		
الهی قمشه‌ای؛ طاهری	قدر/۲		
الهی قمشه‌ای؛ بانوامین؛ صفارزاده؛ طاهری (فقط آیه ۱۰)	قارعه/۱۰، ۳		
الهی قمشه‌ای؛ طاهری	همزه/۵		

۵.۲ ترجمه‌ی «ما» به وجه «زمانی» و «مکانی»

جعفر مرتضی‌ عاملی تنها نویسنده‌ای است که تنها در آیه دوم سوره‌ی قدر اولین «ما» را در اسلوب «مأذراک ما...» به وجه زمانی «تو کی دانی که آن چه باشد» ترجمه نموده است. صفارزاده و انصاری نیز در برخی موارد (مطففین/ ۸، ۱۹)؛ (مدثر/ ۲۷)؛ (طارق/ ۲)؛ (حاقه/ ۳)، «ما» را در وجه مکانی و به صورت «توکجا دانی...» ترجمه کرده اند. اینجا مفهوم منفی برای اسلوب مذکور در نظر گرفته شده و مترجم در پی القای معنای «تو نمی دانی...» با آوردن لفظ «کجا» در ترجمه است.

۶.۲ ترجمه‌ی «ما» به وجه شخصی

تنها ترجمه‌ی اولین «ما» در اسلوب «مأذراک ما...» به وجه شخصی، متعلق به نوبری است که «ما» در آیه‌ی ۳ سوره حاقه را به صورت «کی» (چه کسی؟) ترجمه نموده و در آیه‌ی ۱۸ سوره انفطار نیز لفظ «هیچکس» را به کار برده است. با توجه به اینکه منظور از «چه چیز» خداوند است و اگر زمانی «چه کسی» نیز استعمال شود، باز قائم مقام همان معنا است، به نظر می رسد مقصود مترجمان مذکور نیز همان استفهام غیرحقیقی باشد که نفی را می رساند بدین معنا که «هیچ کس نمی داند...»

۳. گونه‌شناسی دومین «ما» در اسلوب «مأذراک ما...»

مترجمان دومین «ما» در اسلوب «مأذراک ما...» را نیز به گونه‌های مختلفی ترجمه نموده و معانی متنوعی ارائه کرده‌اند که در این بخش به نقد و بررسی هر یک پرداخته شده‌است.

۱.۳ معنای «چیست»

گروهی از مترجمان، دومین «ما» در تعبیر «مادراک ما...» را در نقش مفعول به دوم فعل «آدری» به معنای «چه چیز یا چیست» دانسته‌اند که مفهوم استفهام را درون خویش داراست.

جدول ۴- «ما»: استفهام در معنای «چیست»

کاربرد	ترجمه	آیات	نام مترجمان
استفهام	چیست	حاقه/۳	آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بهرام‌پور؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع‌الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجوی؛ خسروی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ مستفید؛ یاسری
		مدثر/۲۷	آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بهرام‌پور؛ بلاغی؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع‌الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ فیض‌الاسلام؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ مستفید؛ یاسری
		مرسالت/ ۱۴	آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بهرام‌پور؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع‌الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ فیض‌الاسلام؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ مستفید؛ یاسری
		انفطار/۱۷، ۱۸	آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بانو امین (فقط آیه ۱۸)؛ بهرام‌پور؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع‌الجامع؛ حلبی؛ حجتی (فقط آیه ۱۷)؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طبری؛ طباطبایی؛ فولادوند؛ فارسی؛ فیض‌الاسلام؛ قرشی؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ مستفید؛ نجفی خمینی؛ یاسری
		مطفین/۸، ۱۹	آیتی؛ ارفع؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بلاغی؛ بهرام‌پور (آیه ۱۹)؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع‌الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طبری؛ طباطبایی؛ فارسی؛ فیض‌الاسلام؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ مستفید؛ نجفی خمینی
		طارق/۲	آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بلاغی؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بهرام‌پور؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع‌الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجوی؛ خسروی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ فیض‌الاسلام؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ مستفید؛ یاسری

آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بانو امین؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجهی؛ خسروی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان پور؛ گرمارودی؛ مکارم شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی، یاسری	بلد/۱۲		
آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بروجردی؛ پورجوادی؛ ترجمه جوامع الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجهی؛ رضایی اصفهانی؛ رهنما؛ ریاضی؛ سراج؛ شعرانی؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ کاویان پور؛ گرمارودی؛ مکارم شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی، یاسری	قدر/۲		
آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بلاغی؛ بانو امین؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجهی؛ خسروی؛ رضایی اصفهانی؛ رهنما؛ ریاضی؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ کاویان پور؛ گرمارودی؛ مکارم شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی، یاسری	قارعه/۳، ۱۰		
آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بهرام پور؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه جوامع الجامع؛ حلبی؛ حجتی؛ خواجهی؛ خسروی؛ رضایی اصفهانی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ گرمارودی؛ مکارم شیرازی؛ مجتبی؛ معزی؛ مصطفوی؛ مشکینی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی، یاسری	همزه/۵		

۲.۳ نادیده گرفتن دومین «ما»

از جمله گونه‌های مشخص شده در ترجمه‌ی دومین «ما»، در نظر نگرفتن آن است که از آرای برخی مترجمان برداشت می‌شود.

جدول ۵- نادیده گرفتن دومین «ما»

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
الهی قمشه‌ای؛ ابوالفتح رازی؛ بانو امین؛ طاهری؛ عاملی؛ مشکینی؛ کاویان پور	حاقه/۳	بدون ترجمه	بدون کاربرد
الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ عاملی	مدثر/۲۷		
الهی قمشه‌ای؛ بروجردی؛ طاهری؛ طباطبایی؛ عاملی	مرسلات/۱۴		
الهی قمشه‌ای؛ بروجردی؛ حجتی؛ طاهری؛ عاملی	انفطار/۱۷، ۱۸		
الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ عاملی	مطففین/۸، ۱۹		

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۱۱

طارق/2	الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ عاملی
بلد/۱۲	الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ عاملی
قدر/۲	الهی قمشه‌ای؛ بانو امین؛ طاهری؛ عاملی؛ فولادوند
قارعه/۱۰، ۳	الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ عاملی
همزه/۵	الهی قمشه‌ای؛ طاهری؛ عاملی

۳.۳ معانی «چه»، «چگونه» و «چه چیز»

برخی از مترجمان به‌طور بسیار محدود به ذکر معانی «چه»، «چگونه» و «چه چیز» ذیل دومین «ما» در تعبیر «ما ادراک ما...» پرداخته‌اند.

۴. گونه‌شناسی ترجمه‌ی فعل «ادری»

با عنایت به تفاوت‌هایی که ترجمه گونه‌های مختلف زمانی فعل «ادری» نزد مترجمان مشاهده می‌شود، گونه‌شناسی ترجمه‌های مذکور ضرورت دارد.

۱.۴ ثلاثی مجرد و مضارع مثبت

از جمله ترجمه‌های موجود فعل «ادری» در اسلوب «مأذراک ما...» فعل مضارع مثبت (ثلاثی مجرد) است.

جدول ۶- ادری: ثلاثی مجرد و مضارع مثبت

کاربرد	ترجمه	آیات	نام مترجمان
فعل ثلاثی مجرد و مضارع مثبت	می دانی	حاقه/۳	آیتی؛ ارفع؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ گرمارودی؛ مصباح‌زاده؛ مکارم‌شیرازی؛ مستفید
		مدثر/۲۷	اشرفی تبریزی؛ بروجرودی؛ بلاغی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ حلبی؛ خواجوی؛ ریاضی؛ رهنما؛ طباطبایی؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مستفید؛ مشکینی؛ مصباح‌زاده؛ یاسری
		مرسلات/۱۴	آیتی؛ ارفع؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خواجوی؛ رهنما؛ رازی؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ فولادوند؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ معجتوی؛ مشکینی؛ مکارم‌شیرازی؛ مصباح‌زاده؛ مصطفوی؛ مستفید؛

نوبری؛ یاسری			
آیتی؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ ارفع؛ بهرام‌پور؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خواجوی؛ رهنما؛ رازی؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ کاویان‌پور (فقط آیه ۱۷)؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مصباح‌زاده؛ مشکینی؛ مستفید؛ مجتبیوی؛ یاسری	انفطار/ ۱۷، ۱۸		
آیتی؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ ارفع؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خواجوی؛ رهنما؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ میبیدی؛ معزی؛ مشکینی؛ مصباح‌زاده؛ مجتبیوی؛ مصطفوی؛ مستفید؛ یاسری	مطففین/ ۸، ۱۹		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ پاینده؛ حجتی؛ حلبی؛ خواجوی؛ خسروی؛ رهنما؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مشکینی؛ مستفید؛ میبیدی؛ معزی؛ مصباح‌زاده؛ مجتبیوی؛ یاسری	طارق/ ۲		
آیتی؛ ارفع؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ حلبی؛ خواجوی؛ رهنما؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ طالقانی؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مستفید؛ مصباح‌زاده؛ مجتبیوی؛ میبیدی؛ معزی؛ مشکینی	بلد/ ۱۲		
آیتی؛ ارفع؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ بهرام‌پور؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رهنما؛ رازی؛ ریاضی؛ طباطبایی؛ فارسی؛ عاملی؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مجتبیوی؛ مستفید؛ مصباح‌زاده؛ میبیدی؛ معزی	قدر/ ۲		
آیتی؛ ارفع؛ انصاری؛ اشرفی تبریزی؛ بانو امین؛ بروجردی؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خسروی؛ خواجوی؛ ریاضی؛ رهنما؛ صفارزاده؛ طالقانی؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مستفید؛ مصباح‌زاده؛ زاده؛ مجتبیوی؛ معزی؛ میبیدی؛ یاسری	قارعه/ ۳، ۱۰		
آیتی؛ ارفع؛ اشرفی تبریزی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بهرام‌پور؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خواجوی؛ رهنما؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان‌پور؛ گرمارودی؛ مکارم‌شیرازی؛ مستفید؛ مصباح‌زاده؛ یاسری	همزه/ ۵		

۲.۴ مضارع منفی

تعداد اندکی از مترجمان با بیان عبارت منفی «نمی‌دانی...» خواهان ترجمه‌ی استفهام غیر حقیقی موجود در اسلوب «مأذراک ما...» بوده‌اند.

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۱۳

جدول ۷-ادری: مضارع منفی

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
پورجوادی؛ طاهری؛ عاملی	حاقه/۳	نمی دانی، ندانی، خبر نداری	فعل مضارع منفی
ارفع؛ پورجوادی؛ ترجمه تفسیر جوامع الجامع؛ حجتی؛ رازی؛ مصطفوی؛ طاهری؛ طباطبایی؛ عاملی؛ معزی؛ مکارم شیرازی	مدثر/۲۷		
طاهری؛ خسروی؛ معزی	مرسلات/۱۴		
حجتی؛ خسروی؛ طاهری؛ عاملی؛ معزی؛ مصطفوی؛ یاسری	انفطار/۱۷، ۱۸		
پورجوادی؛ خسروی؛ طاهری؛ نوبری	مطففین/۸، ۱۹		
پورجوادی؛ طاهری؛ مکارم شیرازی	طارق/۲		
پورجوادی؛ ترجمه تفسیر جوامع الجامع؛ حجتی؛ خسروی؛ طاهری؛ عاملی؛ مصطفوی؛ مکارم شیرازی	بلد/۱۲		
-----	قدر/۲		
طباطبایی	قارعه/۳، ۱۰		
پورجوادی	همزه/۵		

۳.۴ مضارع در معنای مستقبل

تعداد بسیار محدودی از مترجمان، برای فعل «ادری» در اسلوب «ماأذراک ما...» معنای مستقبل را برگزیدند که اسامی ایشان در جدول ۸ تدوین شده است.

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
الهی قمشه‌ای؛ کاویان پور	حاقه/۳	توانی یافت؛ آگاه تواند کرد	مضارع در معنای مستقبل
الهی قمشه‌ای	مدثر/۲۷		
الهی قمشه‌ای	مرسلات/۱۴		
الهی قمشه‌ای	انفطار/۱۷، ۱۸		
-----	مطففین/۸، ۱۹		
-----	طارق/۲		
بانو امین	بلد/۱۲		

الهی قمشه‌ای	قدر/۲		
الهی قمشه‌ای؛ بانو امین	قارعه/۳، ۱۰		
الهی قمشه‌ای	همزه/۵		

۴.۴ ماضی باب افعال

گروهی از مترجمان، فعل «آدری» در اسلوب «مأذراک ما...» را ماضی دو مفعولی باب افعال دانسته و آن را به معانی آگاه کردن، دانا کردن، مطلع کردن و فهمانیدن ترجمه کرده‌اند.

جدول ۹- ادری: ماضی باب افعال

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
بروجردی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ رهنما؛ سراج؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ میبیدی؛ مشکینی؛ مجتبیوی؛ یاسری	حاقه/۳		فعل ماضی باب افعال دانا کرد؛ آگاه کرد
آیتی؛ انصاری؛ بانو امین؛ بهرام پور (دومین نوع ترجمه)؛ رضایی اصفهانی؛ شعرانی؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ میبیدی؛ مجتبیوی	مدثر/۲۷		
بهرام پور (دومین نوع ترجمه)؛ رضایی اصفهانی؛ شعرانی؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ میبیدی	مرسلات/۱۴		
بهرام پور (دومین نوع ترجمه)؛ بروجردی؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ طالقانی؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی	انفطار/۱۷، ۱۸		
بهرام پور (دومین نوع ترجمه فقط آیه ۸)؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ میبیدی؛ نجفی خمینی	مطففین/۸، ۱۹		
رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ مصطفوی؛ نجفی خمینی	طارق/۲		
بهرام پور (دومین نوع ترجمه)؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ نجفی خمینی	بلد/۱۲		
بروجردی؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طالقانی؛ فولادوند؛ فیض الاسلام؛ نجفی خمینی؛ یاسری	قدر/۲		

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۱۵

بهرام‌پور(دومین نوع ترجمه فقط آیه ۱۰)؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ فیض الاسلام؛ قرشی؛ مشکینی؛ نجفی خمینی؛ یاسری	قارعه/۳، ۱۰		
رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ مشکینی؛ مصطفوی؛ نجفی خمینی	همزه/۵		

۵.۴ ماضی نقلی

تعدادی از مترجمان، فعل «آدری» را به صورت ماضی نقلی مثبت و در معانی «دانا کرده است»؛ «آگاه کرده است» و ماضی نقلی منفی «ندانسته‌ای» (حاقه/۳) ترجمه نموده‌اند.

جدول ۱۰- آدری: ماضی نقلی

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
بلاغی؛ مصطفوی؛ نویری	حاقه/۳	دانا کرده است؛ آگاه کرده است	فعل ماضی نقلی
رازی؛ نویری	مدثر/۲۷		
بلاغی	مرسلات/۱۴		
بلاغی	انفطار/۱۷، ۱۸		
بلاغی؛ طالقانی؛ نجفی خمینی؛ خسروی	مطففین/۸، ۱۹		
بلاغی؛ طالقانی؛ رازی	طارق/۲		
بلاغی؛ رازی	بلد/۱۲		
بلاغی	قدر/۲		
بلاغی؛ مصطفوی	قارعه/۳، ۱۰		
بلاغی؛ طالقانی؛ فیض الاسلام	همزه/۵		

۶.۴ ماضی مجهول

ماضی مجهول ریشه‌ی «د. ر. ی»، «دُرِی» به معنای آگاه شدن؛ داناگردیدن است که به ندرت در آرای مترجمان به چشم می‌خورد.

جدول ۱۱- اداری: ماضی مجهول

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
شعرانی	حاقه/۳	دانا گردانید؛ آگاه توانی شد	فعل ماضی مجهول
سراج	مدثر/۲۷		
سراج	مرسلات/۱۴		
الهی قمشه‌ای؛ کاویان پور	انفطار/۱۷، ۱۸		
الهی قمشه‌ای	مطففین/۸، ۱۹		
-----	طارق/۲		
-----	بلد/۱۲		
بانو امین	قدر/۲		
-----	قارعه/۳، ۱۰		
-----	همزه/۵		

۷.۴ مضارع التزامی

بانو امین و صفارزاده از مترجمانی هستند که فعل «آدری» را در اسلوب مورد نظر به صورت مضارع التزامی و در معانی «چگونه توانی بدانی» (طارق/۲)؛ (انفطار/۱۷)؛ (حاقه/۳) و «از کجا بدانی» (مدثر/۲۷) ترجمه نمودند.

۵. گونه‌شناسی خطاب «ک» نزد مترجمان

در این بخش به نقد و بررسی آرای مترجمان ذیل خطاب «ک» در اسلوب «مأذراک ما...» پرداخته شده است.

۱.۵ ضمیر متصل

تعداد کمی از مترجمان خطاب «ک» در اسلوب «مأذراک ما...» را به صورت ضمیر متصل مورد توجه قرار داده‌اند و در ترجمه خویش لحاظ نموده‌اند. ترجمه‌هایی چون ندانست؛ آگاهت کرد؛ دانایت ساخت را می‌توان به‌عنوان نمونه مد نظر قرار داد که در جدول ۱۴ مشهود است.

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۱۷

جدول ۱۲-ک: ضمیر متصل

کاربرد	ترجمه	آیات	نام مترجمان
ضمیر متصل	ندانستت؛ آکاهت کرد؛ دانایت ساخت	حاقه/۳	خواجوی؛ معزی؛ مشکینی
		مدثر/۲۷	آیتی
		مرسلات/۱۴	-----
		انفطار/۱۷، ۱۸	قرشی
		مطففین/۸، ۱۹	طالقانی؛ قرشی؛ معزی
		طارق/۲	طالقانی؛ معزی
		بلد/۱۲	معزی
		قدر/۲	طالقانی؛ فولادوند؛ معزی؛ مشکینی
		فارعه/۳، ۱۰	طالقانی؛ معزی؛ مشکینی
		همزه/۵	طالقانی؛ معزی؛ مشکینی

۲.۵ ضمیر منفصل «انت» (تو)

بسیاری از مترجمان، خطاب «ک» در تعبیر «مادراک ما...» را به معنای ضمیر منفصل «انت» (تو) ترجمه نموده‌اند. لذا می‌توان گفت اقبال مترجمان به ترجمه ضمیر «ک» در قالب ضمیر منفصل چشمگیر بوده که در جدول نیز مشهود است.

جدول ۱۳-ک: به معنای ضمیر منفصل

کاربرد	ترجمه	آیات	نام مترجمان
ضمیر منفصل «انت»	تو	حاقه/۳	انصاری؛ ارفع؛ بروجردی؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع الجامع؛ حلبی؛ خسروی؛ رضایی اصفهانی؛ رازی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فارسی؛ گرمارودی؛ مصباح‌زاده؛ مکارم شیرازی؛ میبیدی؛ مجتبیوی؛ مصطفوی؛ یاسری
		مدثر/۲۷	ارفع؛ انصاری؛ بانو امین؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رازی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ فارسی؛ فولادوند؛ گرمارودی؛ مصباح‌زاده؛ مکارم شیرازی؛ میبیدی؛ مشکینی؛ مجتبیوی؛ معزی
		مرسلات/۱۴	ارفع؛ انصاری؛ الهی قمش‌های؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع الجامع؛ خواجوی؛ خسروی؛ ریاضی؛ رضایی اصفهانی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ فارسی؛ فولادوند؛ مکارم شیرازی؛ میبیدی؛ مشکینی؛

مصباح‌زاده			
آیتی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بانو امین؛ پاینده (فقط آیه ۱۷)؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع (فقط آیه ۱۷)؛ حجتی؛ خسروی؛ خواجوی؛ خسروی؛ رضایی اصفهانی؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طباطبایی (فقط آیه ۱۷)؛ طبری؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ مصباح‌زاده؛ مکارم‌شیرازی؛ میبدی؛ مشکینی؛ مصطفوی؛ معزی؛ نوبری؛ نجفی خمینی	انفطار/ ۱۷، ۱۸		
آیتی؛ ارفع؛ انصاری؛ بانو امین؛ بروجردی؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خسروی؛ ریاضی؛ رضایی اصفهانی؛ رهنما؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طبری؛ فارسی؛ فولادوند؛ قرشی؛ گرمارودی؛ مصباح‌زاده؛ میبدی (فقط آیه ۱۹)؛ مشکینی؛ مجتبی؛ نجفی خمینی	مطففین/ ۸، ۱۹		
آیتی؛ انصاری؛ پورجوادی؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رازی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فولادوند؛ قرشی؛ مشکینی؛ مصطفوی؛ مصباح‌زاده؛ مکارم‌شیرازی؛ نوبری؛ نجفی خمینی	طارق/ ۲		
آیتی؛ انصاری؛ بروجردی؛ پاینده؛ پورجوادی؛ حجتی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ رازی؛ ریاضی؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ طبری؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ مصباح‌زاده؛ مکارم‌شیرازی؛ میبدی؛ مشکینی؛ مصطفوی	بلد/ ۱۲		
آیتی؛ انصاری؛ الهی قمش‌های؛ بروجردی؛ بانو امین؛ بلاغی؛ پاینده؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رازی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فارسی؛ گرمارودی؛ مصباح‌زاده؛ مکارم‌شیرازی؛ میبدی؛ نجفی خمینی؛ یاسری	قدر/ ۲		
آیتی؛ انصاری؛ ارفع؛ بانو امین؛ بروجردی؛ پاینده (فقط آیه ۳)؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ رازی؛ سراج؛ شعرانی؛ طبری؛ طباطبایی؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ مصباح‌زاده؛ مکارم‌شیرازی؛ میبدی؛ مصطفوی؛ نجفی خمینی؛ یاسری	قارعه/ ۳، ۱۰		
آیتی؛ انصاری؛ بروجردی؛ بانو امین؛ پاینده؛ ترجمه‌ی جوامع‌الجامع؛ حجتی؛ حلبی؛ خسروی؛ خواجوی؛ رضایی اصفهانی؛ ریاضی؛ سراج؛ شعرانی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ طبری؛ فولادوند؛ مصباح‌زاده؛ مکارم‌شیرازی؛ میبدی؛ مصطفوی؛ نجفی خمینی	همزه/ ۵		

۳.۵ خطاب به پیامبر (ص)

برخی از مترجمان که تعداد آن‌ها زیاد نیست معتقدند خطاب «ک» در اسلوب «ما اذراک ما...» به شخص پیامبر(ص) است و آن را غیر معین نمی‌دانند.

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۱۹

جدول ۱۴-ک: خطاب به پیامبر(ص)

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
بلاغی؛ نوبری؛ حجتی	حاقه/۳	ای محمد؛ ای پیامبر؛ ای رسول	ضمیر متصل خطاب خاص
بلاغی؛ نوبری؛ فیض الاسلام	مدثر/۲۷		
بلاغی؛ نوبری؛ فیض الاسلام؛ حجتی؛ بانو امین	مرسلات/۱۴		
بلاغی؛ نوبری؛ فیض الاسلام	انفطار/۱۷، ۱۸		
بلاغی؛ نوبری؛ عاملی	مطففین/۸، ۱۹		
بلاغی؛ نوبری	طارق/۲		
بلاغی؛ فیض الاسلام	بلد/۱۲		
نوبری؛ فیض الاسلام	قدر/۲		
بلاغی؛ فیض الاسلام؛ عاملی	قارعه/۳، ۱۰		
بلاغی؛ فیض الاسلام	همزه/۵		

۴.۵ نادیده گرفتن خطاب «ک»

شمار قابل توجهی از مترجمان با نادیده گرفتن خطاب «ک» اقدام به ترجمه نمودند.

جدول ۱۵-ک: نادیده گرفتن خطاب

نام مترجمان	آیات	ترجمه	کاربرد
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ الهی قمشه‌ای؛ بانو امین؛ ریاضی؛ فولادوند؛ قرشی؛ کاویان پور	حاقه/۳	بدون ترجمه	نادیده گرفتن خطاب
اشرفی تبریزی؛ بروجردی؛ عاملی؛ قرشی؛ کاویان پور؛ مصطفوی؛ یاسری	مدثر/۲۷		
آیتی؛ اشرفی تبریزی؛ بروجردی؛ حلبی؛ رازی؛ طاهری؛ قرشی؛ کاویان پور؛ گرمادودی؛ مصطفوی؛ مجتبی؛ یاسری	مرسلات/۱۴		
اشرفی تبریزی؛ الهی قمشه‌ای؛ بانو امین؛ بروجردی؛ پاینده؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع الجامع؛ حلبی؛ رازی؛ ریاضی؛ صفارزاده؛ طباطبایی؛ فولادوند؛ کاویان پور؛ مصطفوی؛ مکارم شیرازی؛ یاسری	انفطار/۱۷، ۱۸		
اشرفی تبریزی؛ حلبی؛ صفارزاده؛ طاهری؛ کاویان پور؛ مصطفوی؛ میبدی؛ یاسری	مطففین/۸، ۱۹		

اشرفی تبریزی؛ بانو امین؛ بروجردی؛ حلبی؛ فارسی؛ کاویان پور؛ میبدی؛ یاسری	طارق/۲		
اشرفی تبریزی؛ بانو امین؛ حلبی؛ قرشی؛ کاویان پور؛ مصطفوی؛ یاسری	بلد/۱۲		
اشرفی تبریزی؛ حلبی؛ قرشی؛ کاویان پور	قدر/۲		
اشرفی تبریزی؛ الهی قمشه‌ای؛ بانو امین؛ بروجردی؛ پورجوادی؛ خسروی؛ صفارزاده؛ قرشی؛ کاویان پور؛ یاسری	قارعه/۳، ۱۰		
اشرفی تبریزی؛ الهی قمشه‌ای؛ پورجوادی؛ ترجمه‌ی جوامع الجامع؛ فارسی؛ قرشی؛ کاویان پور؛ یاسری	همزه/۵		

۵.۵ سایر خطاب‌ها

تک ترجمه‌هایی با معانی گوناگون دیگر برای خطاب «ک» در آرای مترجمان مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، فیض الاسلام خطاب مذکور را (مطففین/۸، ۱۹) در هر دو آیه با رعایت علامت سجاوندی به «ای آدمی» ترجمه نموده‌است. خطاب عام نیز در آرای چندی از مترجمان دیده می‌شود. این نوع خطاب در ترجمه صفارزاده به صورت «تو ای انسان» (حاقه/۳) و در ترجمه الهی قمشه‌ای به شکل «تو ای بشر» (انفطار/۱۷) آمده‌است. همچنین صورت دیگری از ترجمه «ک» در تعبیر «مادراک ما...» خطاب به پیامبر (ص) و قوم ایشان است.

۶. تحلیل آرای مترجمان ذیل «مادراک ما...»

در این بخش، هر یک از کلمات استعمال شده در اسلوب «مادراک ما» به طور مجزا تحلیل شده‌است.

۱.۶ اولین «ما»

«مای موصول» اولین ترجمه‌ای است که ذیل «ما» در این پژوهش گزارش شد. هرچند این کلمه در زبان‌های کهن، هم برای اشخاص و هم برای اشیا به کار می‌رفته است لکن رفته رفته کاربرد آن تنها به اشیا اختصاص یافته‌است (فرزانه، بی تا: ج ۸، ۲). در قرآن نیز کاربردهای «مای موصول» برای خداوند مشاهده نمی‌شود و درمقابل، از موصول «من» استفاده شده‌است. مانند: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل/۶۲). بر این پایه، به‌کارگیری «ما» در اسلوب «مادراک ما...» به شکل موصول، از نظر نحوی توجیه پذیر نیست و شایسته است برای مقام

شامخ خداوند از موصول «من» استفاده شود. یکی دیگر از صورت‌های استفهامی به کاررفته در ترجمه‌ی اولین «ما» معنای «چگونه، چگونگی یا چطور» بود که پیشتر ارایه شد. نکته‌ای که مترجمان از آن غافل بودند این است که «چگونه، چگونگی یا چطور» در عربی به معنای «کیف» و «لأنی» به کار می‌رود. در صورتی که معنای عربی «کی» به معنای «متی» است و در مراتب خیلی پایین برای ترجمه تعبیر مذکور قرار می‌گیرد.

از جمله ترجمه‌های اسلوب «ماأذراک ما...» استفهام از شیء به معنای «چه چیز» بود بدین معنا که منظور از «چه چیز» خداوند است و اگر زمانی «چه کسی» را هم به کار برند باز قائم مقام همان معنا است. لذا ترجمه‌ی وفادارتر و کارآمدتر برای اولین «ما»، «چه چیز» است و «چه کسی» از دقت کمتری برخوردار است.

۲.۶ دومین «ما»

دومین «ما» در اسلوب «ماأذراک ما...» به معنای «چه چیز» است اما به جهت اینکه اسلوب مورد نظر حاوی دو «ما» به صورت استفهام است، به جهت فصاحت کلام شایسته نیست معنای «چه چیز» را نیز برای دومین «ما» در نظر گرفت. این در حالی است که تعداد محدودی از مترجمان بدون در نظر گرفتن این مبنا دومین «ما» را به گونه‌های مختلفی مانند «چه»، «چگونه» و «چه چیز» ترجمه نموده‌اند و فصاحت کلام را نادیده گرفته‌اند. همچنین از جمله گونه‌های مشخص شده در ترجمه‌ی دومین «ما»، در نظر نگرفتن آن است که این امر یک نقص در ترجمه‌ی این دست مترجمان محسوب می‌شود و توجیه پذیر نیست. در این میان، گروهی از مترجمان، دومین «ما» در تعبیر «ماادراک ما...» را در نقش مفعول به دوم فعل «آدری» به معنای «چیست» دانسته‌اند که مفهوم استفهام را درون خویش دارا است. کتاب‌های اعراب قرآن، دومین «ما» در این عبارت قرآنی را نیز اسم استفهام می‌دانند که به همراه عبارت ما بعد خود به عنوان مفعول به دوم فعل «آدری» نقش ایفا می‌کند (صافی، ۱۴۱۸: ج ۳۰، ۳۹۳). بر این اساس، با نظرداشت اعراب مذکور و نیز در نظر گرفتن فصاحت و روانی کلام، به نظر می‌رسد معنای «چیست» ترجمه مناسب‌تری ذیل دومین «ما» در اسلوب «ماأذراک ما...» باشد.

۳.۶ فعل ادری

اکثر مترجمان در ترجمه فعل «آدری» به زمان ماضی و باب آن توجه ننمودند و آن را با افعال متفاوت و زمان‌های مختلف ترجمه کرده‌اند. از جمله ترجمه‌های موجود فعل «آدری» در

اسلوب «مأذراک ما...» فعل مضارع مثبت (ثلاثی مجرد) بود که پیشتر به آن اشاره شد. ترجمه این فعل به صورت ثلاثی مجرد مثبت، در عربی «تَدْرِی» است لکن «أَدْرِی» ماضی باب افعال است و به «آگاه کرد؛ دانا کرد و فهمانید» معنی می‌شود. بنابراین، حجم وسیعی از مترجمان به علت ضعف قواعد عربی برداشت اشتباهی در ترجمه این فعل داشته‌اند. همچنین در زبان عربی فعل مضارع منفی «نمی‌دانی، ندانی، خبر نداری» در قالب «لا تَدْرِی» استعمال می‌شود اما همانطور که بیان شد فعل «أَدْرِی» ماضی مثبت باب افعال است. بر فرض اینکه مترجمان با بیان عبارت منفی «نمی‌دانی...» خواهان ترجمه استفهام غیر حقیقی موجود در اسلوب «مأذراک ما...» بوده‌اند، باز این مسئله قابل نقد است زیرا ماضی بودن فعل «أَدْرِی» را لحاظ نکرده‌اند. از دیگر اشتباهات صورت گرفته در ترجمه فعل «أَدْرِی»، لحاظ کردن آن به صورت ماضی نقلی است در حالی که ماضی نقلی ریشه «د. ر. ی» در زبان عربی با قالب‌های «قد دَرِی»، «طالما/کَثَرًا/قَلَّمَا دَرِی» تشکیل می‌شود (همان). ماضی مجهول ریشه‌ی «د. ر. ی»، «دَرِی» به معنای آگاه شدن؛ دانا گردیدن است و نه «ادری». لذا ترجمه ماضی مجهول نیز دقیق به نظر نمی‌رسد. برگزیدن معنای مستقبل برای اسلوب «مأذراک ما...» نیز با توجه به این‌که در زبان عربی قالب آن به صورت «ستدْرِی، سوف تَدْرِی» است، از دقت لازم در امر ترجمه برخوردار نبوده‌است. از جمله ترجمه‌های فعل «ادری» مضارع التزامی نیز بود که در زبان عربی به شکل «رَبِّمَا تَدْرِی» یا «آن تَدْرِی» است و با ترجمه ماضی باب افعال اسلوب «مأذراک ما...» فاصله‌ی عمیقی دارد (جواهری، ۱۳۹۱: ۲۲۰).

گروهی از مترجمان، فعل «ادری» در اسلوب «مادراک ما...» را در باب افعال ترجمه نموده و از آن به معنای «آگاه کرد؛ دانا کرد؛ مطلع کرد و فهمانید» تعبیر کرده‌اند. علامه جوادی آملی از مفسران به نام عصر حاضر با نظر داشت به نگاه تفسیری اسلوب مذکور، کارکرد آن را بیان بزرگداشت و عظمت مطلبی دانسته‌است که به نظر می‌رسد با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته از مقالات مشابه اسلوب مذکور، نظر ایشان نیز همسو با معنای باب افعال اسلوب «مادراک ما...» باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۷) با توجه به واکاوی‌های صورت گرفته در قدمت ریشه‌ی «د.ر.ی» و تنقیح مناط آن از حیث قواعد ادبیات عرب، فعل «أَدْرِی» در اسلوب «مأذراک ما...» ماضی دو مفعولی باب افعال می‌باشد که به معنای آگاه کردن، دانا کردن، مطلع کردن و فهمانیدن است (قطبی، اخوان و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸). در این اسلوب به دلیل آمدن یک جمله استفهامی در جایگاه مفعول دوم با اسقاط حرف جر (باء) مواجه هستیم که به جای آن یک جمله آمده‌است از این رو در کتب اعراب القرآن جمله استفهامی ما بعد فعل (أَدْرِی) را

مفعول دوم این فعل به حساب می‌آورند که بهترین وجه اعرابی متناسب با ساختار ادبی این فعل در زبان عربی به نظر می‌رسد (کرباسی، ۱۴۲۲: ج ۸، ۶۳۷؛ علوان، ۱۴۲۷: ج ۴، ۲۵۲۱). این حالت در کتب نحوی و تفسیری به اسقاط خافض تعبیر شده است (شوکانی، ۱۲۵۰: ج ۵، ۳۳۳ و ۳۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۵، ۴۶). بر این پایه، دیدگاه صورت باب افعال فعل «دری» به معنای «آگاه کرد؛ دانا کرد؛ مطلع کرد و فهمانید» کاملاً با فعل «آدری» مطابقت داشته و بر سایر ترجمه‌ها ترجیح دارد.

۴.۶ خطاب «ک»

آنچه که مترجمان در ترجمه خطاب «ک» به صورت ضمیر متصل مورد توجه قرار ندادند، این است که نسبت به ترجمه‌ی وفادار از دقت کمتری برخوردار است زیرا در عربی ضمیر متصل به صورت «ت» به فعل می‌چسبد و در ترجمه‌ی فارسی نیز ضمیر به فعل متصل است اما ترجمه‌ی ضمیر منفصل «ک» به صورت خطاب «تو» در معنای غیر معین آن همه انسان‌ها می‌باشد که برخی از مترجمان به این مسئله توجه ننمودند. از جمله ترجمه‌های مورد نقد در خطاب «ک»، ترجمه‌ی معزی در آیه ۱۴ سوره‌ی مرسلات و نجفی‌خمینی در آیه ۱۲ سوره‌ی بلد است. معزی معنای آیه‌ی «و ما أدراک ما یوم الفصل» را به صورت «ندانستند چیست روز جدا شدن» در نظر گرفته و نجفی‌خمینی معنای آیه «و ما أدراک ما العقبه» را به صورت «چه چیزی او را آگاه کرد که عقبه چیست» برگزیده است و این معنا را می‌رساند که «او ندانسته است» در حالی که کاملاً واضح است معنای خطاب «ک» در اسلوب مورد نظر به صورت مفرد مذکر مخاطب است. همانطور که بیان شد ضمیر خطاب «ک» در اسلوب «ما أدراک ما...» غیر معین بوده و مخاطب آن عموم افراد تا روز قیامت هستند لذا برخی از مترجمان بدون در نظر گرفتن این مهم به عنوان قرینه اقدام به ترجمه‌ی ضمیر «ک» در قالب ضمیر «تو» نمودند. انتخاب این ترجمه از دو حیث قابل نقد است اول اینکه قرینه‌ای مبنی بر خطاب غیر معین بودن ضمیر «ک» در متن مترجمان وجود ندارد که بایستی این مسئله در آن لحاظ می‌شد دوم این که معنای «تو» برای خطاب «ک» در زبان عربی با ضمیر منفصل «انت» تطبیق می‌نماید. همچنین خطاب در اسلوب «ما أدراک ما...» در ظاهر به پیامبر (ص) است اما این خطاب انحصاری نیست زیرا آیات فراوانی وجود دارد که حاکی از گفتگوی محرمانه و خصوصی با پیامبر (ص) است از طرفی چه دلیلی وجود داشت که توجه و تبیین موضوعات با اهمیت مورد نظر الهی در قالب این اسلوب

واقع شود و پیامبر(ص) صرفاً از آن آگاه شود زیرا خداوند متعال می‌توانست به راحتی در وحی معراجی این مطالب را برای پیامبرش بیان کند بدون اینکه دیگر نیازی باشد که به تفصیل آن در ادامه آیات «ما أذراک ما...» بپردازد (مهدوی کنی، ۱۳۹۷: ۱۹۶-۱۹۷). بنابراین مخاطب در اینجا صرفاً پیامبر(ص) نیست بلکه همه‌ی مردم تا روز قیامت مخاطب این آیات هستند. با این حال تعدادی از مترجمان چند خطاب غیر معین «ک» را مختص پیامبر(ص) دانسته‌اند. شمار قابل توجهی از مترجمان نیز با نادیده گرفتن خطاب «ک» اقدام به ترجمه نمودند که با فرض در نظر گرفتن سبک نوشتاری آنان در ترجمه، باز این مسئله توجیه پذیر نیست که مخاطب این آیات نادیده گرفته شود. اگر نادیده گرفتن خطاب صحیح بود، چه لزومی داشت در سایر آیات، این اسلوب خطاب «ک» را در نظر گیرند.

بر این اساس، با عنایت به این که اسلوب «مادراک ما...» در قرآن همواره با یک «ک» ضمیر آمده‌است و در کتب دیگر غیر از قرآن نیز همواره این «ک» در این اسلوب وجود دارد (میدانی، ۱۳۶۶ش: ج ۱: ۴۶۲)، ادباء، در رابطه با حرف خطاب «ک» دو دیدگاه دارند: اول آن که: حرف «ک» خطاب برای غیر معین است که برای مفرد، مثنی، جمع، مونث و مذکر یکسان به کار می‌رود (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۲۹، ۱۰؛ همان، ج ۳۰، ۳۱۵) و در دیدگاه دوم، خطاب «ک» صرفاً خاص پیامبر(ص) است نه همه مردم (عاملی، ج ۲: ۱۳۴). دیدگاه اول با توجه به همگانی بودن دعوت پیامبر(ص) رجحان دارد. لذا به کار رفتن خطاب در این اسلوب به صورت مفرد، ناظر به تمام افراد مخاطب قرآن می‌شود. به دیگر سخن، پیام الهی و درک این موضوعات نمی‌تواند یک امر انحصاری برای پیامبر(ص) باشد بلکه فهم آیات، وظیفه همگانی برای همه مؤمنان و مسلمانان است و همگی مورد خطاب بحث هستند (مهدوی کنی، ۱۳۹۷: ۱۹۶). بنابراین برای هر مخاطبی اسلوب «مأذراک ما...» می‌تواند به کار رود و نیازی به تفکیک خطاب به طور خاص پیامبر(ص) نیست.

۷. ترجمه برگزیده اسلوب «مادراک ما...»

باعنایت به تحلیل معانی تک تک کلمات در اسلوب «مادراک ما...» و ترجمه‌های دقیق تری که پیشتر برای هر کلمه برگزیده شد، می‌توان به بررسی معنای اسلوب مذکور و ترجیح یکی از معانی بر سایر دست یافت. همان گونه که اشاره شد، بهترین ترجمه برای اسم «ما» در ابتدای اسلوب «مأذراک ما...» استفهام «چه چیزی» است. ترجمه مذکور در آرای مفسران نیز مورد

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۲۵

تایید قرار گرفته است (طوسی، بی تا: ج ۱: ۲۹۴، طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۶، ۳۵۵: قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۳، ۴۰۲؛ درویش، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ۱۸۹؛ علوان، ۱۴۲۷: ج ۴، ۲۵۲۱). تعبیر کنایی و دربردارنده نفی آگاهی از مخاطب، از ویژگی های این نوع «ما» به شمار می آید. بهترین ترجمه برای دومین «ما» در تعبیر فوق الذکر نیز استفهام «چیست» است که مطمح نظر برخی مترجمان قرآن قرار گرفته است. معانی «آگاه کرد؛ دانا کرد؛ مطلع کرد و فهمانید» ترجمه برگزیده برای فعل «ادری» در اسلوب مذکور دانسته شد. همچنین از «ک» نیز به منزله خطاب نامعین و همگانی، برای تمام مسلمانان و مومنان تعبیر شد.

با نظر داشت مجموعه معانی فوق، بایست به آرای مفسران نیز جهت تحلیل معنای برگزیده «مادراک ما...» رجوع نمود. نظرات مفسران فریقین در رابطه با اسلوب مذکور در قالب دسته های زیر تقسیم بندی می شود:

الف) شماری از مفسران، اسلوب «مادراک ما...» را به معنای: نمی دانی یا چه می دانی (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۶، ص ۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴، ۴۳۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۵۸۳)؛ چه چیز تو را دانانمود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۶، ۳۵۵؛ مترجمان، ۱۳۵۶: ج ۷، ۱۹۲۱) هرگز نخواهی فهمید و به کنه آن دست نخواهی یافت (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۱۷، ۳۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۳۱، ۱۱۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۲۱۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۴، ۸۴) و به علم اجمالی از آن آگاه نیستی (طوسی، بی تا: ج ۱۰، ۲۹۹) در نظر گرفته اند که حاکی از عدم علم یا داشتن علم اجمالی پیامبر (ص) در مورد قیامت و حوادث آن و عظمت شب قدر است.

ب) اکثر مفسران معتقدند که خداوند با طرح پرسشی محدود و کوتاه به مخاطب خاص خود که همان پیامبر اکرم (ص) می باشد، خواهان القاء پیام هایی است که ایشان قبل از وحی، عالم به موضوعات مذکور نبوده اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۳۱، ۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۷، ۱۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۷، ۱۹۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۱۷، ۳۹-۲۲۵؛ طوسی، بی تا: ج ۱۰، ۳۸۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۳۱۳). بنابراین، از نظر ایشان، غرض الهی از تکرار این عبارت که ترسیم کننده صحنه قیامت و حوادث پیش روی آن و شب قدر است، بیان عظمت، فخامت، تهویل، اعجاب، تخویف، تهدید و تشریف بر پیامبر (ص) است (طبرسی، ۱۳۷۴: ج ۲۶، ۳۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۴۰۳؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۱۷، ۱۸۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۲۴۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۳، ۴۰۲؛ ابن عاشور، بی تا: ج ۲۹، ۱۰۶؛ دروزه، ۱۳۸۳: ج ۵، ۴۲۲؛ مترجمان، ۱۳۵۶: ج ۷، ۲۰۴۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۹۹).

ج) دیدگاه تفسیری دیگری نیز وجود دارد که بر غیر معین بودن عبارت «ماأذراک کذا» صحه می‌گذارد. بدین‌سان که این عبارت در برهه‌ای از تاریخ به‌صورت نیمه انجماد شده گردیده و در قالب انعطاف‌ناپذیری که در عرف زبان‌شناسی کلیشه نام دارد، قرار گرفته‌است. به تعبیری دیگر، اسلوب مذکور، بسته‌ی ادبی اصطلاحی بوده و مفعولی که در ترکیب ما بعد عبارت «ماأذراک ما...» وجود دارد محقق‌الوقوع در آینده است و اتفاق می‌افتد چرا که استفهام در آن به معنای شدتی است که حاکی از تفخیم امر می‌کند (ابن عاشور، (بی‌تا): ج ۲۹، ۱۰۶؛ ج ۳۰، ۴۵۰). هر چند با توجه به ساختار زبان عربی و بنا به ساختار صرفی آوایی این بسته ادبی اصطلاحی، ترجمه تحت‌اللفظی آن نمی‌تواند به خوبی گویای دلالت حسی آن باشد (پروینی، اکبری‌زاده، ۱۳۹۲: ۷) لکن با لحاظ کردن این مسأله و با در نظر گرفتن معنای بلاغی اسلوب «ماأذراک ما...» که در استفهام غیر حقیقی «ما» فخامت امر آن مشهود است و صیغه‌ی مزید باب افعال «آدری» که مزید بودن آن حاکی از تأکید و مبالغه است و غیر معین بودن خطاب «ک» که در ابتدای همین بخش از نظر گذشت، مناسب‌ترین ترجمه «ماادراک ما...» با سومین نظر تفسیری یعنی بسته ادبی اصطلاحی «چه چیز تو را آگاه کرد که ... چیست؟» مطابقت بیشتری دارد زیرا به‌کارگیری این نوع بسته‌ی ادبی با ویژگی‌های خاص خود، تأثیر آن به مراتب از اعلام یک خبر، به‌صورت معمول مؤثرتر است. براین اساس، ترجمه معنایی (تحت‌اللفظی) برای اسلوب فوق‌الذکر کارایی لازم را نداشته و ترجمه برگزیده از نوع ارتباطی است. چرا که جهت‌گیری پیام وحی (کلام الهی) به‌سوی مخاطبان آن است و هدف از ارسال پیام، هدایت مخاطبان است. این سبک پرسشی که در قالب چنین اسلوبی در قرآن به‌کار گرفته‌شده با تأکید بیشتری خبر خویش را مطرح می‌کند و می‌فهماند که هیچ چیز و هیچ کس، علم و درک چستی موضوعات مورد نظر قرآنی را به انسان‌ها نداده‌است و این حاکی از نهایت عظمت و بزرگداشت مطلبی است که اهمیت آن با تأثیر پذیری بیشتری جلوه می‌نماید.

۸. نتیجه‌گیری

مترجمان معانی متنوعی از اسلوب «ماادراک ما...» ارایه نموده‌اند و هر یک از کلمات به‌کار رفته در آن را به‌چندگونه ترجمه نموده‌اند. در پژوهش حاضر، ترجمه‌های «چه چیزی»، «چیست» و «آگاه کرد؛ دانا کرد؛ مطلع کرد و فهمانید» به ترتیب برای اولین و دومین «ما» و فعل «آدری» در اسلوب فوق‌الذکر بر سایر ترجیح داده‌شد. نیز برای خطاب «ک» مفهوم نامعین و همگانی «تو

ای انسان؛ تو ای بشر» برگزیده شد. مجموعه این معانی، بانظرداشت آرای تفسیری و قواعد صرفی و نحوی، مفهوم اصطلاحی دقیق «چه چیز تو را آگاه کرد که چیست؟» را برای تعبیر «مادراک ما...» بر می‌گزیند که نوعی ترجمه ارتباطی است. براین اساس، باید گفت مترجمان در ترجمه عبارت «ما أدراک ما...» چندان موفق نبوده‌اند. تعدد و تکرار مترجمان در ارایه یک ترجمه خاص، دلیل بر صحیح بودن آن نیست. از جمله عوامل عرضه ترجمه‌های ناموفق تعبیر مذکور، بی‌توجهی به اسلوب ادبی اصطلاحی آن است. برخی اشتباهات و مبهمات حاصل در ترجمه این عبارت، ناشی از ضعف علم صرف و نحو بوده است. اشتباه در معنای لغوی این عبارت، از دیگر ضعف‌های مشهود برخی مترجمان ذیل اسلوب مورد بحث بوده است. همچنین، عدم یکپارچه‌سازی نوشتار مترجم در عبارت مشابه «ما أدراک ما...» و در تمامی کاربردهای قرآنی آن و عدم توجه به سیاق و قواعد فهم متن، از جمله عواملی است که موجب اقدام به ترجمه نادرست از سوی ایشان شده است. بر این پایه، مترجم بایست نیم‌نگاهی به تفسیر آیات، حین ترجمه داشته و با فهم دقیق‌تری از تعبیر و اسلوب‌های ترجمه به این مهم همت گمارد.

ضمیمه‌ها

۱. استفهام حقیقی و غیر حقیقی

استفهام حقیقی پرسشی است که ناشی از بی‌اطلاعی سؤال کننده از موضوع سؤال و در راستای فهم آن است اما استفهام غیر حقیقی، پرسشی می‌باشد که ناشی از عدم بی‌اطلاعی سائل از موضوع سؤال و برای فهم آن نیست بلکه هدف آن چیز دیگری است که با توجه به سیاق و معنای جمله مراد وی مشخص می‌شود. خداوند با مطرح نمودن موضوعی در قالب استفهام غیر واقعی و با اسلوبی بلاغی، خواهان انتقال عمیق‌ترین معانی کلام الهی در فهم مخاطب خویش است. (برومند و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۱)

۲. موصول عام

موصول عام یا مشترک اسمی است که برای مفرد، مثنی، جمع، مذکر، مؤنث به شکل یکسان به کار برده می‌شود. این نوع اسم موصول شامل «مَنْ» که به معنای «کسی که، کسانی که» و «ما» به معنای «چیزی که، آنچه» است. معمولاً اسم موصول «مَنْ» برای عاقل و «ما» برای غیر عاقل به کار برده می‌شود.

کتابنامه

قرآن

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴). ترجمه قرآن (آیتی)، تهران: سروش.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، به تحقیق علی عبد الباری العطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحرير و التنوير، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- الهی قمشه‌ی، مهدی (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (الهی قمشه‌ی)، قم: انتشارات فاطمه الزهراء.
- ارفع، سید کاظم (۱۳۸۱). ترجمه قرآن (ارفع)، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
- اشرفی تبریزی، محمود (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (اشرفی)، تهران: انتشارات جاویدان.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- انصاری خوشابر، مسعود (۱۳۷۷). ترجمه قرآن (انصاری)، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- بروجردی، سیدمحمدابراهیم (۱۳۶۶). ترجمه قرآن (بروجردی)، تهران: انتشارات صدر.
- بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۸۶). حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم: انتشارات حکمت.
- بهرام‌پور، ابوالفضل (۱۳۸۵). نسیم حیات، قم: سبحان.
- برومند، محمد حسین، معارف، مجید، رجب‌زاده، حسین (۱۳۸۴). «بررسی مبانی پرسشگری در قرآن کریم با تأکید بر اهم معانی استفهام»، پژوهش دینی، شماره دوازدهم، زمستان، صص ۱۷۲-۱۹۵.
- پورجوادی، کاظم (۱۴۱۴). ترجمه قرآن (پورجوادی)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- پاینده ابوالقاسم (بی تا). ترجمه قرآن (پاینده)، بی جا.
- پروینی، خلیل، فاطمه اکبری زاد (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی زبان‌شناختی ترجمه‌ی قرآن (بررسی موردی ترجمه‌های سوره واقعه)»، مجله پژوهش دینی، بهار و تابستان.
- جواهری، محمدحسن (۱۳۹۱). روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). سخنرانی مکتوب شده تفسیر سوره واقعه، سایت اسراء.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (حلبی)، تهران: انتشارات اساطیر.
- حجتی، سیدمهدی، (۱۳۸۴). گلی از بوستان خدا، قم: انتشارات بخشایش.

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۲۹

خانی رضا/ حشمت‌الله ریاضی (۱۳۷۲). ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه پیام نور.

خواجه‌جوی، محمد (۱۴۱۰). ترجمه قرآن (خواجه‌جوی)، تهران: انتشارات مولی.

درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵). اعراب القرآن الکریم و بیانه، حمص سوریه: الارشاد.

رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عمدة الأبرار، تهران: انتشارات امیر کبیر.

رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۳). ترجمه قرآن (رضایی)، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.

رهنما، زین‌العابدین (۱۳۴۶). ترجمه و تفسیر رهنما، تهران: انتشارات کیهان.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.

سراج، رضا (بی‌تا). ترجمه قرآن (سراج)، تهران: شرکت سهامی انتشار.

شوکانی، محمد (۱۴۱۴). فتح‌القدیر، دمشق: دار ابن کثیر.

صادق نوبری، عبدالمجید (۱۳۹۶). ترجمه قرآن (نوبری)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.

صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (صفارزاده)، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان‌رایانه.

صافی، محمد بن عبدالرحیم (۱۴۱۸). الجدول فی اعراب القرآن، دمشق: دارالرشید مؤسسة الإیمان.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، محمدباقر موسوی‌همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طاهری قزوینی، علی‌اکبر (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (طاهری)، تهران: انتشارات قلم.

طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، گروه مترجمان، تهران: انتشارات ناصرخسرو.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نورالتقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.

عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، تهران: انتشارات صدوق.

علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷). اعراب القرآن الکریم (علوان)، به تحقیق جمعی از نویسندگان، طنطاوی مصر: دارالصاحبة للتراث.

عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۴). تفسیر سوره هل آتی، لبنان: المرکز الاسلامی للدراسات.

فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح‌الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- فرزانه، بابک (بی تا). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، بی جا.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۹). *ترجمه قرآن (فارسی)*، تهران: انجام کتاب.
- فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۵). *ترجمه قرآن (فولادوند)*، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- فیض‌الاسلام، سید علی نقی (۱۳۷۸). *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، تهران: انتشارات فقیه.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). *احسن‌الحديث*، تهران: بنیاد بعثت.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). *تفسیر کنزالذائق و بحرالعرائب*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قطبی، زهرا، اخوان‌مقدم، زهره، رضایی‌مقدم، محمد، اخوان‌طیبی، محمدحسین (۱۳۹۸). «کاربرد زبان-شناسی تاریخی در تحلیل ریشه‌شناختی و ساختار ادبی ماده «دری»: بازخوانی اسلوب بیانی «ما أدراک» در قرآن کریم، *مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۶۵، صص ۲۵۳ تا ۲۷۶.
- کریاسی، محمد جعفر (۱۴۲۲). *اعراب‌القرآن (کریاسی)*، لبنان: دارالمکتبه و الهلال.
- کاویان‌پور، احمد (۱۳۷۸). *ترجمه قرآن (کاویان‌پور)*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- گرمارودی، بی نام (۱۳۸۴). *ترجمه قرآن (گرمارودی)*، تهران: انتشارات قدیانی.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۷). *تفسیر سوره مبارکه قدر*، قم: دانشگاه امام صادق.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۴۷). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن (مکارم)*، قم: دارالقرآن (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- مستفید، حمیدرضا (۱۳۹۰). *جزء ۲۶ تا ۳۰ قرآن کریم با ترجمه و توضیحات لغوی و ادبی*، حنیف، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- مشکینی، علی (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن (مشکینی)*، قم: الهادی.
- مجتبوی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۱). *ترجمه قرآن (مجتبوی)*، تهران: انتشارات حکمت.
- معزی، محمدکاظم (۱۳۷۲). *ترجمه قرآن (معزی)*، قم: انتشارات اسوه.
- میرزا خسروانی، علی‌رضا (۱۳۹۰). *تفسیر خسروی*، تهران: انتشارات اسلامیه.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- مترجمان (۱۳۷۷). *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

سنجش انتقادی مواجهه مترجمان قرآن ... (زهره اخوان مقدم و دیگران) ۳۱

- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، تهران.
- مصباح‌زاده، عباس (۱۳۸۰). ترجمه قرآن (مصباح‌زاده)، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.
- مروتی، سهراب (۱۳۹۵). «مقاله بررسی موضوع ترجمه‌ی قرآن کریم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱ تا ۳۰.
- میدانی، نیشابوری، احمد بن محمد (۱۳۶۶). مجمع‌الامثال، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۱). روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸). تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه.
- یاسری، محمود (۱۴۱۵). ترجمه قرآن (یاسری)، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج).